



گام سرنوشت ساز کی یف

آیا الحاق اوکراین به اتحادیه اروپا موازنه قدرت و تعهدات امنیتی آینده را تغییر می دهد

کشورها معتقدند که اتحادیه اروپا با جذب اوکراین و دیگر کشورها باید اصلاحاتی در نهادهای کلیدی خود، از جمله در درون پارلمان انجام دهد اما ابتدا باید بر سر چگونگی اعمال این اصلاحات به توافق برسند.

اوکراین نیز برای رسیدن به آرزوی خود باید لیست بلندبالایی از اصلاحات را در قوانین داخلی خود اعمال کند تا همراستای قوانین اتحادیه اروپا باشد و شایستگی خود را به عنوان کشوری با اقتصاد بازار دموکراتیک ثابت کند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز با چالش های بی شماری برای عضویت اوکراین دست و پنجه نرم می کنند چون کی یف علاوه بر اینکه قطب کشاورزی نسبتاً فقیری است در موازنه ظرفیت کشورهای تصمیم گیر و تامین کننده بودجه اتحادیه تاثیر می گذارد.

▼ جذب غول کشاورزی

الحاق اوکراین به اتحادیه اروپا احتمالاً نیازمند بازنگری در سیاست های رایج کشاورزی این بلوک است. کشاورزان اتحادیه اروپا هم اکنون به ازای هر هکتاری که کشت شود، بیش از ۲۰۰ دلار دریافت می کنند. اوکراین با وجود اراضی وسیع قابل کشتی که دارد، شرایط کافی برای دریافت میلیاردها دلار را دارد.

حتی با اینکه عضویت اوکراین چندین سال دیگر به وقوع می پیوندد، مسئله ورود محصولات صادراتی اوکراین به بازار اتحادیه اروپا تظاهراتی را در اتحادیه اروپا و در میان کشاورزان کشورهای همسایه به دلیل نگرانی از اشباع غلات در بازار راه انداخته است.

در لهستان، تاثیر اوکراین بر قیمت غلات به یک مشکل سیاسی بزرگی تبدیل شده و کشاورزان لهستانی نسبت به میزان عرضه محصولات اوکراین در بازار هشدار داده اند. طبق داده های سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل، اوکراین پیش از جنگ سالانه حدود ۲۰ میلیون تن

رهران و شهروندان کشورهای عضو اتحادیه اروپا حمله روسیه به اوکراین را ۱۱ سپتامبر این اتحادیه می دانند: رویدادی تاثیرگذار که تهدید فاجعه باری در برابر ارزش ها و شیوه زندگی آنهاست. ثبت جایگاه اوکراین در اروپا به یک اولویت جدید تبدیل شده است. حتی برخی کشورهای بدبین مهم تر از همه فرانسه هم از این الحاق حمایت می کنند.

اگر روند الحاق این کشورها نتیجه بخش باشد، اتحادیه اروپا که دارای ۲۷ عضو است به گروهی با بیش از ۳۰ عضو تبدیل می شود و موازنه قدرت بلوک احتمالاً به سمت شرق تغییر جهت می دهد. اگر اوکراین امروز به اتحادیه اروپا بپیوندد، پرجمعیت ترین عضو جدید از سال های ۱۹۸۰ خواهد بود.

دور میز شورای اروپا، برخی از تصمیمات به اتفاق آرا و برخی دیگر بر اساس «رای اکثریت واجد شرایط» گرفته می شود؛ سیستمی که در آن هر تصمیمی باید از سوی ۵۵ درصد از کشورهای عضو که حداقل ۶۵ درصد از جمعیت اتحادیه اروپا را تشکیل می دهند، تایید شود.

بر اساس تحلیل مؤسسه آلمانی امور بین الملل و امنیت، اوکراین ۹ درصد آرا را دارد که تقریباً با وزن امروز لهستان برابر است. سهم دیگر کشورهای عضو مثل آلمان از ۱۸/۶ درصد به ۱۶/۹ درصد کاهش پیدا کرده است. در نتیجه وزن رای دهی لهستان و اوکراین به اندازه آلمان خواهد بود.

در پارلمان اروپا، اوکراین می تواند چندین نماینده داشته باشد اما اضافه کردن نماینده برای اوکراین قطعاً به معنی فراتر رفتن از سقف کنونی ۷۵۱ نماینده است. این پاییز، مقامات فرانسوی و آلمانی گزارشی را به نوشته گروهی از کارشناسان منتشر کرده اند که خلاف اضافه کردن کرسی جدید و به نفع پیدا کردن راهی جدید برای تقسیم کردن شان استدلال می کرد.

به گزارش واشنگتن پست در بروکسل، بسیاری از



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین الملل

اوکراین نیز برای رسیدن به آرزوی خود باید لیست بلندبالایی از اصلاحات را در قوانین داخلی خود اعمال کند تا همراستای قوانین اتحادیه اروپا باشد و شایستگی خود را به عنوان کشوری با اقتصاد بازار دموکراتیک ثابت کند

اتحادیه اروپا پس از مخالفت های طولانی مدت و یکتور اوربان، نخست وزیر مجارستان بالاخره موافقت کرد تا مذاکرات پیوستن اوکراین به این بلوک را آغاز کند. به رغم نگرانی ها نسبت به آمادگی و سوال ها درباره معنای این عضویت، کی یف در آرزوی پیوستن به اتحادیه اروپا یک گام به جلوتر برداشته است.

در صورت عضویت در اتحادیه اروپا، اوکراین پنجمین کشور پر جمعیت و در عین حال فقیرترین عضو این بلوک خواهد بود و به همین ترتیب می تواند تحت قوانین کنونی آن سوبسیدهای قابل توجهی دریافت کند اما از سوی دیگر در بروکسل این حس فزاینده وجود دارد که عضویت اوکراین موازنه قدرت در اتحادیه اروپا را تغییر می دهد و بر بازار محصولات کشاورزی و بودجه این بلوک تاثیر می گذارد. اتحادیه اروپا در آغاز از گروه کوچکی تشکیل شده بود که بیشتر کشورهای اروپای غربی را شامل می شد. در سال های پس از فروپاشی دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ این اتحادیه به سمت شرق هم گسترش پیدا کرد. حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، محاسبات سود و زیان اتحادیه اروپا برای پذیرش کشورهای جدید را تغییر داد و حمایت ها از دور دیگر مذاکرات برای گسترش این بلوک را بیشتر کرد. اتحادیه اروپا همچنین موافقت کرد علاوه بر اوکراین، مذاکرات با مولداوی را آغاز و نامزدی گرجستان را هم اعلام کند. چندین کشور دیگر مثل آلبانی و مونتنگرو نیز در مراحل مختلفی در روند الحاق قرار دارند. عده بسیاری از

آمریکای ۲۰۲۴ جنگ بزرگی نخواهد داشت



جورج فریدمن

استراتژیست

ما در اندیشکده ژئوپلیتیکال فیوچرز، پیش بینی سال ۲۰۲۴ خود را هفته گذشته منتشر کردیم. در آن پیش بینی ما مسائل پیش روی ایالات متحده را مطرح کردیم، گفتیم پیش بینی نمی کنیم سال آینده جنگ بزرگی رخ دهد. مدل ما می گوید، حدوداً هر ۸۰ سال گذشته، تغییر بزرگی رخ می دهد و یک تغییر نهادی بزرگ را با خود می آورد. انقلاب ایالات متحده، جنگ داخلی ایالات متحده و جنگ جهانی دوم، همه با حدود ۸۰ سال فاصله، با این سناریو جور هستند. پس به نظر می آید، دهه ۲۰۲۰ هم باید شاهد درگیری مشابهی باشد؛ اما حتی اگر این در چند سال آینده رخ دهد، به باور ما سال آینده رخ نخواهد داد.

برای توضیح این طرز فکرمان باید اول تعریف کنیم چه چیزی به معنای یک جنگ بزرگ خواهد بود. تعجبی ندارد که میزان تلفات نقش مهمی در این تعریف داشته باشد. انقلاب [آمریکا]، جنگ داخلی و جنگ جهانی هم تلفات سنگینی به ایالات متحده تحمیل کردند. فقط در انقلاب، کشور حدود یک درصد از جمعیتش را از دست داد. نکته دیگری که به همان اندازه مهم است اینکه نتیجه یک جنگ بزرگ باید اثر بزرگی بر ایالات متحده داشته باشد. سه مورد ذکر شده به ترتیب استقلال کشور، اتحاد آن و نقش جهانی اش را تعریف کردند. جنگ اسپانیا و آمریکا و جنگ ویتنام چنین نکردند.

این ها در سال ۲۰۲۴ بررسی می کنیم. بعید است انقلابی علیه تسلط خارجی در سال ۲۰۲۴ رخ دهد. جنگ داخلی هم بعید است، به رغم اینکه برخی برعکس این را انتظار دارند. هر تئوری که در لحظه فعلی در کار باشد، جمعیت انبوهی از آمریکایی ها هستند که آماده نیستند بابت شان بمیرند؛ پس برای برآورد شدن شرایط این مدل، جنگ مربوط باید چیزی شبیه جنگ جهانی دوم باشد، درگیری ای که در آن کشورهای بسیار و تعداد بالایی سرباز و شهروند جنگیدند و مردند. قابل توجه است که جنگ علیه یک قدرت، اثر تحول امیز خاصی روی ایالات متحده ندارد؛ بنابراین حتی اگر ایالات متحده مثلاً با چین وارد جنگ شود، مسئله جهانی ای مثل جنگ جهانی دوم نخواهد بود، از آن جا که چین دنباله متحدهن لازم را ندارد. عملکرد روسیه در اوکراین نشان می دهد که فعلاً، روسیه برای جنگیدن در یک درگیری جهانی آماده یا توانا نیست. درگیری هایی که در یک زمان شروع و تمام می شوند، رخ خواهند داد، همان طور که همیشه رخ داده اند، اما هیچ جنگ سیستماتیک در کار نخواهد بود. ایالات متحده مخصوصاً در مقابل تهاجم مضمون است و منابع مالی این را دارد که جایی که بتواند، از جنگ پرهیز کند. منافعش با بیشتر دنیا تقاطع دارد، صرفاً به خاطر ذات قدرتش. کنار گذاشتن این قدرت برای پرهیز از جنگ، تنها می تواند با تسلیم و کنار گذاشتن بخش مهمی از امنیتش انجام شود. همه می خواهند ثروت و قدرت داشته باشند، بدون اینکه هزینه ای متحمل شوند، اما این طوری کار نمی کند. منافع، هزینه دارد.

همه این ها را با آگاهی کامل از این می گویم که این ایده ها به شکلی از مدل ما انحراف دارند؛ اما مدل ما مقدس نیستند، برای همین من به غریزه ام اعتماد می کنم. من سرمایه گذاران مشهوری می شناسم که مدل های پیچیده و مؤثری می سازند و بعد باز به جای این آماده سازی هایی که کرده اند، به غریزه شان اعتماد می کنند. گاهی این احساس ها به قیمت از دست رفتن هزینه بزرگی تمام می شود، گاهی نمی شود. ژئوپلیتیک تا حد زیادی همین طور است. باید فرضیات مان را به چالش بکشیم، حتی وقتی این کار راحت و بی دردسر نباشد.

بین پیش بینی کننده ها، تمایلی به این هست که به جای مواجهه با تضادها، آن ها را کنار بزنند؛ اما این مجموعه پیش بینی ها برای پروژه ما مهم است و نادیده گرفتن و گذر کردن سریع از کنار یک ضعف در آن ها، با همان اندازه که غیر اخلاقی است، آشکار و واضح هم هست. بهتر است چیزی را که نمی شود مخفی کرد، مخفی نکنیم. ما تلاش می کنیم دستمان به آینده برسد و می خواهیم بدانیم با خودش چه خواهد آورد. راه های متنوعی برای این کار هست. طراحی مدل ها و حدس زدن محض، تنها نمونه هایی از این هستند. برای اینکه کنترل کار در دست بماند، باید اصول داشت؛ اما ما به کندوکاو در این مسئله ادامه می دهیم و وقتی چیز بیشتری بدانیم، به شما هم خواهیم گفت.

